حاج عبدالرضا هلالی، در گفت و گو با جام جم

اربعین پرچم کشتی نجات

تکیه‌گاه آقا مرتضی علی در خیابان هرندی، نزدیک میدان اعدام (محمدیه)؛ مداح جوان اهل بیت برای ساماندهی به خانواده‌های آسیب‌پذیر و تغییر فضای سراسر آسیب و گزند آن محله و دستگیری از کودکان و نوجوانان «گود عربها» با توکل و همت، دست به کار شد و تکیه‌گاهی را دوساله ساخت که هرشب از کارتن خواب‌ها با غذای گرم با کیفیت پذیرایی می‌شود. نانوایی تکیه‌گاه، صبح تا شب پخت مجانی دارد و یکشنبه هرهفته حمام و سلمانی برای آسیب‌دیده‌ها و خیابانگردها به راه است. مغرب که به تکیه‌گاه رسید به خاطر پیگیری کارهای همین مردم تهیدست و مستمند از پا افتاده و خسته بود. سرانجام گفت‌وگومان به وقت دیگری افتاد و حاجی هلالی زیر سرم رفت. البته اگر همکاری حسین دهباشی، خادم تکیه‌گاه نبود این همسخنی شکل نمی‌گرفت. با هم وصف اربعین را از حاج عبدالرضا هلالی؛ مداح اهل بیت می‌خوانیم.

آیا دین جز محبت است؟

این جمعیت چند میلیونی را که به پیاده‌روی اربعین می‌روند همان کسانی پذیرا هستند که هشت سال با ما جنگیدند. چیزی جز عنصر حب نمی‌تواند مردم عراق را وادار به چنین رفتارهایی کند. در روایتی داریم «هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُب»؛ یعنی آیا دین جز محبت است؟ اگر محبت را برداریم از دین چیزی باقی نمی‌ماند. در حدیث کساء می‌خوانیم «انّی ما خلقت سماء مبنیه...» خداوند می‌فرماید من آسمان‌ها و زمین را... جز با محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) نیافریدیم. اربعین را مانند پرچمی روی کشتی به اهتزاز درآورید، وقتی کشتی از دور می‌آید ابتدا پرچم دیده می‌شود؛ کشتی مثال همان تمدن است و پرچم مثال ماجرای اربعین؛ یعنی ابتدا اربعین دیده می‌شود بعد تمدن اسلامی. ماجرای اربعین، انسان را به انسان گره می‌زند.

نوشته‌اند معاویه و عمروعاص بر خبر شهادت آیتا... العظمی امام علی(ع) بسیار گریستند. معاویه از فرط اندوه زبان به مدح علی باز کرد آنچنان که شاید هیچ‌کس از هواداران علی هم این‌گونه او را مدح نکرده بود. در این میان که دشمن درجه یک علی گریان شده، عده‌ای هم بودند که بر زعامت تام و تمام معاویه بر امت اسلامی، شادی کردند و از شدت شعف، اطعام و انفاق کردند. علی را سال‌ها بر منبرها لعن کردند. این ناروایی را سال‌ها مستحب دانستند. در مقطعی یکی از تعقیبات نماز لعن علی بود.

اما در نهایت بسیاری دانستند، هیچ‌کس نمی‌تواند به اندازه خاک کفش‌های علی در ساعات کاشت نخل، کفایت داشته باشد. قبر آنها که قُربهً الی‌ا... به علی و فرزندانش لعن کردند و بر آنها شمشیر کشیدند و ایشان را کشتند، امروز زباله‌دان شهرهاست فقط یکی از آنها که آن روز از سوی امویان لعن می‌شد، امروز اربعین شهادتش یکه‌تاز تغییر شکل سیاست‌های جهانی است. خوب گفت مولوی ما از روی آیه قرآن حکیم، که هرکه بر شمع خدا آرد پفو/ شمع کی میرد؟ بسوزد پوز او

حلاوت شیرین اربعین

هیچ‌کس نمی‌گوید سفر اربعین راحت بود؛ هیچ‌وقت این سفر راحت نیست. هیچ‌کس نمی‌گوید: «امسال چه راحت رفتیم و آمدیم»؛ ولی، همه می‌گویند شیرین بود. آن‌قدر شیرین که سال بعد اگر نتواند برود، می‌سوزد و اشک می‌ریزد. این یعنی اینجا، رفاه سفر به حلاوت سفر مربوط نیست. اساسا سختی و شیرینی، به مسیر رسیدن به معشوق، گره خورده.

اگر عازمید، در مسیرید، نجفید، کربلایید یا کلا آن طرفید ما را ویژه دعا کنید لطفا. کف حرم مولا را جای ما ببوسید و یک قدم به نیت ما بردارید، ان شاءا... رزق هرشب جمعه‌تان کربلا باشد.

جاماندگان سفر نور

اما برای کسایی که توفیق حضور در کربلا را ندارند: زیارت اربعین طبق فرمایش امام عسکری(ع) از نشانه‌های شیعه است اما اگر به هر طریقی توفیق نشده همراه پابرهنه‌های امام حسین (ع) قدم برداریم یعنی «جامانده‌ایم»!

اربعین، امروز بلندگوی سپاه امام حسین (ع) است. این جریان هم ان شاءا... هرسال پرشکوه‌تر از سال قبل ادامه پیدا می‌کند تا به حق حضرت زهرا(س) یک روز حضرت مهدی(عج) برای ما زیارت اربعین بخوانند.

ذات این پیاده‌روی توحیدی برای اتصال مأموم (یعنی ما) به امام است، این اتصال هم منوط به حضور در پیاده‌روی یا در شهر کربلا نیست.

«لبیک یا حسین» یعنی من مأموم به امام هستم دارم نامه می‌نویسم که همیشه پای کار شما هستم. این خیلی وظیفه سنگینی است و عمل به این وظیفه مستلزم حضور در کربلا نیست. چه بسا مثل منی هم بارها کربلا رفته باشد اما زندگی‌اش بویی از امام حسین (ع) نداشته باشد. پس: اربعین و لبیک یاحسین یک نماد نیست، یک حقیقت است، پیاده‌روی اربعین هم فستیوال نیست که ما هرسال برویم سلفی بگیریم و امتیازش را.

حسرت‌داران یک نگاه به گنبد امام

شمر هم کربلا رفت، از نظر فیزیکی حتی خیلی نزدیک به امام بود، ولی از نظر باطنی چی؟ سر امامش را هم با وضو و قربه الی‌ا... از تن جدا کرد.

پس به حضور در کربلا نیست رفیق! زندگی ما اگر امام حسینی باشد، خلق و خو، رفتار و کردار ما اگر شیعی باشد کربلا رفته و نرفته به وظیفه‌مان عمل کرده‌ایم.

من سیصد هزار تا آدم می‌شناسم که برای امام حسین (ع) پرپر شدند و بهترین روزگار بودند و پای عقیده‌شان ایستادند و حسرت یک نگاه به گنبد امام حسین را با سربندهاشان زیر خاک شهادت بردند.

لذا ماجرای اربعین تراژدی نیست، حماسه است، لطفا بیایید به این مهم فکر کنیم. به ظرافت‌های اربعین دقت کنیم. از کنار جزئیات به سادگی عبور نکنیم، گاهی یک کمک کم به زائری ناتوان، مثلا برای زائری سایه شوی، یا برای زائری تشنه و گرسنه آب و غذا بیاوری، یک لبخند و روی گشاده، برکت سفره‌مان را دوچندان می‌کند.

یادگذشتگان باشیم

مراقب محیط زیست هم باشیم شما را به خدا! ظرف‌ها و لیوان‌های یک‌بار مصرف را توی سطل زباله بیندازیم. مردم شریف عراق میزبان ما هستند، ولی خدای ناکرده کارگر ما نیستند هرکسی از خودش شروع کند و انجامش بدهد.

یادگذشتگان باشیم؛ خیلی‌ها زحمت کشیدند تا این سفر برای ما مهیا شود از یادشان هنگام قدم برداشتن توی مسیر غافل نباشیم. پدر مادرهامان، سردار عزیزمان، علماءمان، امام عزیزمان، معلمان عزیز و....

مهم‌ترین عبارت زیارت اربعین شاید همین باشد که:

بَذَلَ مُهجَتَهُ فیک لِیستَنقِذَ عِبادَک مِنَ الجَهالَه وحَیرَه الضلاله

علت ریختن خون سیدالشهدا جهل مردم به مقام امام‌شان و عدم ولایت‌پذیری و عدم اطاعت‌شان بود! علت قیام امام هم نجات مردم از جهل و ناآگاهی. حواس‌مان باشد عدم شناخت امام و اطاعت نکردن از امر ولی، تبعات سنگینی برای جامعه دارد.



بصیرت داشته باشیم

قبولی زیارت موقوف به لمس یا چسبیدن به ضریح نیست! زیارت اربعین به همان پیاده‌روی، سختی کشیدن، معرفت توی مسیر است، اشک و روضه هم با همان «اشرب مائی یازائر» گفتن‌های دخترکوچولوی سه ساله است. مراعات بچه‌های توی سفر، یادمان نرود بچه‌ها به خاطرات خوش این سفر، به محبت اهل بیت، سال‌های سال احتیاج دارند به خصوص گرما، شلوغی عاملی نباشد خدای ناکرده بچه‌ها از امام حسین(ع) و کربلا دل‌زده شوند. توی مسیر برای‌شان آبمیوه، هدیه، خوردنی بگیریم، به خصوص توی خستگی بغل‌شان کنیم، تا سفر کربلا برای‌شان دلچسب و شیرین باشد و بماند. راز اربعین چیست وحدت اسلامی نکته مهمی است، ولی قبلش توی دل ما قرار است اتفاقی بیفتد و باید بیفتد همان اتفاقی که توی دل بچه‌های دفاع مقدس و بچه‌های مدافع حرم افتاد.



الیوم یوم الاربعین

عبدالرضا هلالی، مداح اهل بیت متولد ۱۲ آبان ۱۳۶۰ در خرمشهر و بزرگ شده تهران است. ماجرای علاقه او به مداحی جالب است. هلالی در این باره می‌گوید: یک روز در کوچه‌مان فوتبال بازی می‌کردیم که دیدم یک آقای خوش قیافه و محاسن‌دار ایستاده و بازی ما را نگاه می‌کند. من هم قیچی می‌زدم و فوتبال بازی می‌کردم که ایشان جلو آمد و گفت شما فوتبالت خیلی خوب است، خوب بازی می‌کنید. من هم گفتم شما بچه محل ما نیستید اینجا چکار می‌کنید؟! ایشان گفت هیات مادر محله شما برگزار می‌شود و مرا به جلسات‌شان دعوت کرد. این مداح عباس صابری بود. اولین جرقه مذهبی شدن و هیات رفتن من همان جا زده شد. آن زمان من ۱۱ یا ۱۲ سالم بود. بعد از شهادت عباس صابری این‌قدر ایشان را دوست داشتم که خودم رفتم در هیات و شروع به روضه‌خواندن و سینه‌زنی کردم.

اربعین سر خاکت روضه خون خواهرته

الیوم یوم الاربعین

نسیمی جان فزا می آید

وسط سینه من نوشته بین الحرمین